



## کوششهای کانت در نقد عقل محض اثبات امتناع خدا نیست

دکتر اصغر واعظی در نشست خدا در فلسفه کانت با بیان اینکه کانت با محدود کردن هر گونه شناخت به شناخت محسوس یا پدیداری، عملاً راه را بر شناخت جهان معقول یا فوق حس می‌بندد...

دکتر اصغر واعظی در نشست خدا در فلسفه کانت با بیان اینکه کانت با محدود کردن هر گونه شناخت به شناخت محسوس یا پدیداری، عملاً راه را بر شناخت جهان معقول یا فوق حس می‌بندد، گفت: اما نتیجه همه کوششهای کانت در نقد اول اثبات امتناع خدا نیست، بلکه اثبات نامعتبر بودن ادله عقلی اثبات وجود خداست.

به گزارش خبرگزاری مهر، سی و هفتمین جلسه گروه علمی فلسفه دین مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع خدا در فلسفه کانت، با سخنرانی دکتر اصغر واعظی در مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد که گزارشی کوتاه از این نشست را با هم می‌خوانیم.

کانت عمده مباحث مربوط به خدا را در دو کتاب نقد عقل محض و نقد عملی مطرح می‌کند. نقد عقل محض با یک نتیجه منفي به پایان می‌رسد: اشیاء فی‌نفسه فضایی خالی هستند که گرچه به عنوان اموری ممکن فرض می‌شوند ولی هرگز نمی‌توان با تکیه بر شناخت تجربی به آنها دست یافت. بنابراین مرزهای عقل محض از تمایز میان اشیاء فی‌نفسه و پدیدارها به وجود می‌آید.

کانت با محدود کردن هر گونه شناخت به شناخت محسوس یا پدیداری، عملاً راه را بر شناخت جهان معقول یا فوق حس می‌بندد. بر این اساس وی، ضمن منحصر کردن براهین عقلی اثبات وجود خدا در سه دسته براهین جهان‌شناختی، برهان غایت‌شناختی و برهان وجودی، تلاش می‌کند تا نامعتبر بودن همه این براهین را به اثبات رساند. نتیجه همه کوشش‌های کانت در نقد اول اثبات امتناع خدا نیست، بلکه اثبات نامعتبر بودن ادله عقلی اثبات وجود خداست.

این بدان معناست که در پایان نقد اول، خدا که در نگاه عالمان مابعدالطبیعه ضروری الوجود دانسته می‌شد، اکنون ضرورت خود را از دست می‌دهد. اما نفی ضرورت مستلزم امتناع نیست. نقد اول با امکان وجود خدا به پایان می‌رسد و همین امکان است که راه را برای اثبات خدا از طریق برهان اخلاقی گشوده نگاه می‌دارد.

کانت در نقد عقل عملی حد و مرزی را که در نقد عقل محض ترسیم کرده بود به شکلی نوین تعیین می‌کند. فضای خالی با اثبات اختیار، جاودانگی نفس و خدا پر می‌شود. وی در نقد دوم تلاش می‌کند با تکیه بر ضرورت‌های عملی و اخلاقی، خدا را اثبات نماید. اما آیا این کار نتیجه‌ای را که با زحمت بسیار در نقد اول تدارک دیده شده بود فرو نمی‌ریزد؟

آیا نقد عقل محض همواره توصیه نمی‌کرد که شناخت بشری فقط به قلمرو تجربه ممکن و پدیدارها محدود می‌شود و در نتیجه هرگونه فراروی از این قلمرو در واقع خزیدن به فضای خالی است؟ آیا شناخت خدا و انتساب هر گونه وصف و تعین به او مغایر با نتایج نقد اول نیست؟ کانت که خود واقف به این معضلات است و از آن به معمای فلسفه نقدي تعبیر می‌کند چه راهی را برای رهایی از آن بر می‌گزیند و آیا تلاش‌های او قرین با توفیق است؟ پاسخ به پرسش‌های فوق و نیز بررسی نقادانه نحوه مواجهه کانت با براهین عقلی اثبات وجود خدا از مسائلی است که پیرامون آن بحث خواهد شد.